

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۱/۲۷

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله نقد و بررسی آیات استدلال شده بر عدالت تمام صحابه (۶) - بغض، سب و لعن امیرالمؤمنین توسط صحابه!

(۱)

بحث ما در رابطه با صحابه و ادله اهل سنت بر آیه:

(وَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ)

و پیشروان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی پیرویشان کردند.

سوره توبه (۹): آیه ۱۰۰

مطرح شد. ما گفتیم که استدلال بر این آیه به مسئله عدالت صحابه؛ اشکالات متعددی دارد. اشکال اساسی این است که ما مشاهده می‌کنیم تعدادی از صحابه از مسیر حق، قرآن کریم و از مسیر سنت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) منحرف شدند و به هیچ وجه به بهشت راه پیدا نمی‌کنند. شاهد ما در این زمینه آیات قرآن است!

اضافه بر اینکه آیاتی هم در اینجا در مذمت صحابه داریم:

(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا)

اگر فاسقی خبری برایتان آورد تحقیق کنید.

سوره حجرات (۴۹): آیه ۶

همچنین در آیه شریفه دیگری نسبت به صحابه وارد شده است:

(يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ)

به خدا سوگند می‌خورند که (چیزی) نگفته‌اند و حال آنکه کلمه کفر را بزبان راندند و بعد از اسلامشان کافر شدند.

سوره توبه (۹): آیه ۷۴

آقایان اهل سنت بفرمایند (كَلِمَةَ الْكُفْرِ) و (كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ) و (هَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا) چه بوده است؟! حال ما نمی‌خواهیم بگوییم که ۱۲ نفر از صحابه می‌خواستند رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را ترور کنند!! شما خودتان بروید و تفاسیر خودتان را در ذیل این آیات نگاه بکنید ببینید داستان چه بوده!؟

شما هم که معتقدند: «والصحابه كلهم عدول»؛ «الصحابه كلهم من أهل الجنة قطعاً»؛ و صحابی هم کسی است

که «من رأي رسول الله ولو لحظة»!!

همچنین در آیه دیگر وارد شده است:

(قُلْ أَلْبَلَّهٖ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُوْلِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُوْنَ لَا تَعْتَذِرُوْا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ)

بگو آیا خدا و آیات و رسول او را مسخره می‌کنید عذر نیاورید، که بعد از ایمانتان کافر شدید.

سوره توبه (۹): آیات ۶۵ و ۶۶

می‌فرماید شما بعد از اینکه ایمان آورده بودید و مؤمن بودید، کافر شدید. اگر در آیه قبلی بود که خداوند متعال

می‌فرماید:

(كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ)

می‌گفتیم این افراد منافق بودند؛ و خداوند هم می‌فرماید:

(قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ)

اعراب بادیه‌نشین به تو گفتند ایمان آوردیم. بگو: نه، هنوز ایمان نیاورده‌اید و باید بگویید اسلام آوردیم چون هنوز ایمان در دل‌های شما داخل نشده.

سوره اعراب (۴۹): آیه ۱۴

ولی در اینجا خداوند متعال می‌فرماید:

(قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ)

این را می‌خواهید چه کار کنید!؟

خود «محمد بن عبدالوهاب» زمانی که این آیات را مطرح می‌کند، به صراحت در کتاب «کشف الشبهات» می‌گوید:

«أما سمعت الله كفرهم بكلمة مع كونهم في زمن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ويجاهدون معه

ويصلون ويزكون ويحجون ويوحدون»

آیا نشنیدی که خداوند عده‌ای را فقط به خاطر گفتن یک کلمه تکفیر کرده است. در حالی که اینها

صحابی پیغمبر بودند و مجاهد بودند، روزه می‌گرفتند، زکات می‌دادند، حج می‌رفتند و موحد بودند.

مردم به ما می‌گویند شما مسلمانان را تکفیر می‌کنید و آن‌ها را می‌کشید، درحالی‌که آن‌ها دارند نماز می‌خوانند و

حج می‌روند و زکات می‌دهند و روزه می‌گیرند. چرا آن‌ها را می‌کشید!؟

او در جواب چند دلیل می‌آورد؛ از جمله می‌گوید که اگر ما آن‌ها را می‌کشیم درحالی‌که نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و حج می‌روند، خود قرآن کریم این راه را برای ما باز کرده است!!

موحد به معنای مسلمان واقعی است و کسی است که ایمان در قلب او دخول کرده است. یعنی منافقین را شامل نمی‌شود. و این کاملاً واضح و روشن است. در ادامه می‌گوید:

«فهؤلاء الذين صرح الله فيهم أنهم كفروا بعد إيمانهم وهم مع رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في غزوة تبوك قالوا كلمة ذكروا أنهم قالوها على وجه المزح»

سپس می‌گوید:

«فتأمل هذه الشبهة وهي قولهم تكفرون من المسلمين أناسا يشهدون أن (لا إله إلا الله) ويصلون ويصومون»

نسبت به ما شبهه‌ای مطرح کردند که شما مسلمانان را تکفیر می‌کنید و به ما می‌گویید: شما عده‌ای از مردمی که شهادت به وحدانیت خداوند می‌دهند و نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند را تکفیر می‌کنید.

بنابراین خداوند متعال هم صحابه را با وجود اینکه اهل نماز و روزه بودند و موحد بودند، تنها به خاطر یک کلمه‌ای که گفته بودند تکفیر کرده است؛ بنابراین کار ما خلاف قرآن نیست!! او سپس می‌گوید:

«ثم تأمل جوابها، فإنه من أنفع ما في هذه الأوراق»

جواب به این شبهه از پر منفعت‌ترین مطالبی است که من در این کتاب آوردم.

کشف الشبهات، المؤلف: محمد بن عبد الوهاب بن سليمان التميمي النجدي (المتوفى: ١٢٠٦ هـ)،
الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى،

١٤١٨ هـ، ج ١، ص ٤٢، الفصل الثاني عشر

حال ما از این آقایان سؤال می‌کنیم شما که معتقدید:

«الصحابه کلّهم من أهل الجنة قطعاً»

حرف شما را بپذیریم یا حرف «محمد بن عبدالوهاب» را بپذیریم؟ او ادعا می‌کند من که صحابه را تکفیر می‌کنم، خدا هم صحابه را تکفیر کرده است. آیا کافر در بهشت جای دارد؟! اگر «الصحابه کلّهم من أهل الجنة قطعاً» این تفسیر و این توضیح چیست؟!

نکته دیگری در اینجا وجود دارد که عزیزان باید به آن دقت کنند، زیرا یکی از مباحث کلیدی است. تعدادی از صحابه، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب و لعن می‌کردند و با او قتال می‌کردند. یعنی سه چیز؛ سب، لعن و قتال! این را هم ما نمی‌گوئیم، «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد ۷ صفحه ۱۳۷ می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه»

می‌گوید بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی بن ابی طالب را در دل داشتند. ما در اینجا سؤال می‌کنیم: «ما هو حکم من كان بغض علی فی قلبه»؟ کسی که بغض علی را در دل داشته باشد چه حکمی دارد؟

«و یسبونه»

و به علی بن ابی طالب ناسزا می‌گفتند.

«و یقاتلونه»

و با علی به قتال می‌پرداختند.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۳۷

حال می‌پرسیم: «ما هو حکم من سب علیا»؟! «ما هو حکم من قاتل علیا»؟

آیا این افراد اهل بهشت هستند؟ یا طبق روایات شما این افراد نه تنها اهل بهشت نیستند، بلکه در قعر جهنم‌اند؟! زیرا بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نشانه نفاق است و:

(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ)

منافقان در طبقه زیرین جهنم‌اند.

سوره نساء (۴): آیه ۱۴۵

مسئله دیگر این است که «ابن تیمیه» در جلد پنجم کتاب «منهاج السنة النبویة» به صراحت می‌نویسد:

«أَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوهُ وَلَعَنُوهُ وَذَمُّوهُ»

کسانی که با علی می‌جنگیدند و علی را لعن می‌کردند. و او را مذمت می‌کردند.

بنابراین صحابه نسبت به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) «یبغضونه» و «یسبونونه» و «یقاتلونه» و «لعنوه» داشتند؛ ما سؤال می‌پرسیم که «ما هو حکم من لعن علی بن أبی طالب»؟ یا اصلاً: «ما هو حکم من لعن المسلم»؟ «ما هو حکم من ذم واحداً من الخلفاء»؟

سپس می‌گوید:

«أَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوهُ وَلَعَنُوهُ وَذَمُّوهُ هُمْ أَعْلَمُ وَأَدِينُ مِنَ الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ»

کسانی که علی را لعن و مذمت می‌کردند، متدین‌تر از کسانی هستند که ولایت علی را دارند!!!

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۵، ص ۱۰

حال از آقایان اهل سنت می‌پرسیم که آیا شما محبت و ولایت به معنای محبت را دارید یا ندارید؟! «ابن تیمیه» معتقد است کسانی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را لعنت می‌کردند از تمام کسانی که علی را دوست می‌دارند بهتر و متدین‌تر هستند؟! آخر این چه دیانتی است!؟

شاید کسی بگوید این اجتهاد «ابن تیمیه» است! در این صورت باید بگوییم که «ابوجهل» متدین‌تر از «سلمان» است و «ابولهب» متدین‌تر از «ابوذر» است. اجتهاد یا باید از آیات قرآن کریم و یا سنت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد.

من که نمی‌توانم بی حساب و کتاب اجتهاد کنم. در این صورت من هم اجتهاد می‌کنم که تو بی‌هوا حرف می‌زنی و قتل هم واجب است و باید جنازه تو را آتش بزنند!!

اگر قرار باشد که از روی هوای نفس اجتهاد صورت بگیرد، ما هم می‌گوییم شما که چنین حرفی می‌زنید کافر و مرتد و حلال المال و الدم هستید!! اجتهاد از روی هوای نفس هیچ سرمایه‌ای نیاز ندارد و تنها به مجرد زبان است.

ولی اگر قرار است اجتهاد بر مبنای قرآن کریم باشد، باید ببینیم که قرآن درباره امیرالمؤمنین چه دارد؟! اجماع فریقین است که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مشمول آیه تطهیر است.

آیا سب کنندگان و لعن کنندگان کسی که مشمول آیه تطهیر است متدین محسوب می‌شوند؟! آیا این افراد متدین‌تر از کسانی هستند که علی را دوست دارند یا علی را به ولایت قبول دارند؟!!

همچنین در آیه مباحله خداوند عالم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را نفس پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی می‌کند. نفس پیغمبر اکرم به معنای جان و روح پیغمبر اکرم است. آیا اگر کسی جان پیغمبر اکرم را لعنت کند، متدین‌تر از طرف مقابل است!؟

ما نمی‌دانیم این دیانت چه دیانتی است!! این دیانت بنی امیه و بنی مروان است یا دیانت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) است!! این مسئله را برای ما روشن کنید.

عجیب است که «ابن تیمیه» می‌گوید:

«أن الذين قاتلوه ولعنوه وذموه من الصحابة والتابعين»

از یک طرف داریم که می‌گویند:

«الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً»

از طرف دیگر همین صحابه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را لعن می‌کنند. از طرف دیگر قرآن کریم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را در آیه تطهیر جزو مطهرات آورده است!! و یا در آیه مباحله برای اثبات نبوت و صداقت پیغمبر اکرم شهادت می‌دهد!! در قضیه لیلۃ المبیت خداوند عالم حضرت امیر را ثنا می‌گوید و می‌فرماید: علی کسی است که جان خود را تقدیم خداوند کرده است و با خداوند متعال معامله کرده است.

گذشته از تمام این قضایا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خلیفه چهارم اهل سنت است. زمانی که نستجیر بالله لعنت کردن، سب و شتم خلیفه چهارم اهل سنت نشانه دیانت است معلوم می‌شود کسانی که ابوبکر و عمر را لعن می‌کنند خیلی تدین بالایی دارند!!

آیا در آنجا هم حاضرید بگویید:

«كل من كان يلعن ابابكر، يسب ابابكر، يشتم ابابكر أدين من الذين يتولون أبابكر»

آیا در اینجا هم حاضرید این حرف را بزنید؟!

در وجوب موالات حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شکی نیست. قرآن می‌فرماید:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به جز مودت نسبت به اقرباء.

سوره شوری (۴۲): آیه ۲۳

تمام اهل سنت معتقدند که موالات علی بن ابی طالب واجب است؛ زیرا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) قطعاً جزو اهل بیت هستند و گذشته از آن، خلیفه چهارم اهل سنت هستند. آیا موالات خلیفه چهارم واجب است یا واجب نیست؟!

«ابن تیمیه» می‌نویسد:

«ولو تخلى أهل السنة عن موالاته على رضى الله عنه وتحقق إيمانه ووجوب موالاته لم يكن فى المتولين له من يقدر أن يقاوم المبغضين له من الخوارج»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۵، ص ۱۰

اگر چنانچه اهل سنت که موالات علی را واجب می‌دانند کنار بروند، شیعیان نمی‌توانند در برابر خوارج حرفی بزنند. به قول شما از یک طرف «وجوب موالاته» را به کار می‌برد و از طرف دیگر «أدين من الذين يتولونه» را به حساب می‌آورد.

مشاهده کنید این نکات از آن دسته نکاتی است که ما غالباً در بحث‌ها از آن غافل هستیم. ما گاهی اوقات بحث را روی شاخه‌های فرعی می‌بریم و خودمان را آویزان می‌کنیم، درحالی‌که آن‌ها با یک تکان دادن ما را پایین می‌اندازند و دوباره باید شاخه دیگر را بگیریم.

ولی اگر ما ریشه‌ای کار کنیم و تنه درخت را بگیریم، دیگر جایی برای طرف مقابل باقی نمی‌ماند. بنابراین این بحث‌ها، بحث‌های ریشه‌ای و اساسی است و طرف مقابل هم حاضر نیست در این حوزه‌ها بحث کند و جوابی هم برای گفتن ندارد.

همچنین در جلد هفتم کتاب «منهاج السنة النبویة» - این موارد یک یا دو مورد نیست - وارد شده است:

«قد علم قدح كثير من الصحابة في علي»

قطعاً معلوم است که بسیاری از صحابه علی را قدح و تضعیف و مذمت می‌کردند.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۴۷

حالا به ما جواب دهید که «من قدح أبابكر ما هو حكمه»؟ و: «من قدح عمر و عثمان ما هو حكمه»؟ شما این مسئله را برای ما روشن بفرمایید بعد بگوییم این «كثير من الصحابة» که در علی «قدح» می‌کردند، چه حکمی دارند؟!

اگر ما صدها ساعت روی همین چند عبارت «ابن تیمیه» که درباره امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) کار کنیم جا دارد! و برای ما کافی است!

ما می‌توانیم در یک ماه رمضان حدود سی منبر یک ساعته علمی درباره همین سه عبارتی که «ابن تیمیه» آورده است کار کنیم.

بنده چند نکته از این عبارات را می‌آورم؛ ایشان می‌گوید: صحابه، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب می‌کردند. «ما هو حکم من سب علیا». «حاکم نیشابوری» در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» در جواب این مسئله می‌نویسد:

«سمعت رسول الله يقول من سب عليا فقد سبني»

پیغمبر اکرم فرمودند: هرکسی علی را ناسزا بگوید من (پیغمبر) را ناسزا گفته است.

«هذا حديث صحيح الإسناد»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص

١٣٠، ج ٤٦١٥

حال بفرمایید: «ما هو حكم من سب رسول الله؟» آیا سب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) جایز است یا

حرام است؟! «من سب رسول الله يطلق عليه أنه مسلم؟!» یا سب رسول الله نشانه خارج شدن از دین است؟!!

هم «حاکم نیشابوری» و هم «ذهبی» هر دو این روایت را صحیح می‌دانند. همچنین در کتاب «مسند أحمد بن

حنبل» وارد شده است:

«سمعت رسول الله يقول من سب علياً فقد سبني»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ٦، ص ٣٢٣، ج ٢٦٧٩١

همچنین در همین کتاب با تحقیق «شعیب ارنؤوط» و هابی، وارد شده است:

«أم سلمة فقالت لي: أيسب رسول الله صلى الله عليه وسلم فيكم»

گفتم معاذالله کسی پیغمبر را فحش بدهد. گفت:

«سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من سب عليا فقد سبني»

در آخر روایت در مورد سند روایت وارد شده است:

«إسناده صحيح»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، الناشر: مؤسسة قرطبة -

القاهرة، الأحاديث مذيلة بأحكام شعيب الأرنؤوط عليها، ج ٦، ص ٣٢٣، ح ٢٦٧٩١

«حاکم نیشابوری» و «ذهبی» گفته‌اند که سند این روایت صحیح است. همچنین آقای «ابن ابی شیبه» در کتاب

«المصنف» پا را فراتر گذاشته و از قول «ام سلمه» نقل می‌کند که از «اباعبدالله جدلی» پرسید:

«يا أبا عبد الله أيسب رسول الله فيكم ثم لا تغيرون»

ای ابا عبدالله! در شهر شما به پیغمبر اکرم فحش می‌دهند و شما جواب نمی‌دهید؟!!

«قال قلت ومن يسب رسول الله»

گفت: چه کسی جرئت دارد به پیغمبر اکرم ناسزا بگوید؟

«قالت يسب على ومن يحبه وقد كان رسول الله يحبه»

ام سلمه گفت: شما علی و دوستدارانش را فحش می‌دهید، درحالی‌که پیغمبر اکرم علی را دوست

می‌داشت.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار

النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٣٧١، ح

٣٢١١٣

در کتاب «صحيح بخارى» و «صحيح مسلم» به صراحت وارد شده است که رسول گرامی اسلام (صلى الله عليه و آله و سلم) فرمودند: من فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و پیغمبر او را دوست دارد و او هم خدا و پیغمبر اکرم را دوست دارد. طبق این روایات این افراد کسی را سب می‌کنند که خداوند متعال او را دوست دارد.

بنابراین سب امیرالمؤمنین، سب رسول الله هست! حال ببینیم که سب نبی مکرم چه حکمی دارد؟! «ابن تیمیه» در کتاب «الإستغاثة فى الرد على البکرى» می‌نویسد:

«من سب أبا بكر أو عمر أو عثمان أو عليا رضی الله عنهم فهو کافر»

هرکسی به ابوبکر، عمر، عثمان و علی (رضی الله عنه) ناسزا بگوید کافر است.

بنابراین طبق نظر «ابن تیمیه» که گفت «کثیر من الصحابة یسبونہ»؛ این صحابه کثیر، کافر هستند!!
حتی می‌گوید:

«من سب فاطمة أو عائشة أنه یقتل»

الإستغاثة فى الرد على البکرى، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرانى أبو العباس، دار النشر: دار الوطن - الرياض - ۱۴۱۷، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبدالله بن محمد السهلى، ج ۲، ص ۶۰۰،

فصل قال ولقد بالغ السلف فى الاحتياط بجنابه

آخر هم همین نظریه را می‌پذیرد و می‌گوید: سب خلفا کفرآور است و سپس می‌گوید: رافضه کافر هستند به جهت اینکه به ابوبکر و عمر ناسزا می‌گویند. حال اگر صحابه به امیرالمؤمنین (سلام الله عليه) ناسزا بگویند آنها هم کافر هستند، یا نه؟!!

همچنین در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد چهارم صفحه ۴۳۷ وارد شده است: جمع زیادی از بنی امیه و شیعیان‌شان، علی را سب می‌کردند. سپس می‌گویند:

«وَكَانَ سَبُّ عَلِيٍّ وَلَعْنُهُ مِنَ الْبَغْيِ الَّذِي اسْتَحَقَّتْ بِهِ الطَّائِفَةُ أَنْ يُقَالَ لَهَا: الطَّائِفَةُ الْبَاغِيَةُ»

بنابراین طایفه باغیه که معاویه یکی از آنهاست؛ امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب و لعن می‌کردند. سپس در مورد طایفه باغیه چنین می‌نویسد:

«الْفِئَةُ الْبَاغِيَةُ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَيَدْعُوْنَهُ إِلَى النَّارِ»

جالب اینجاست که در ادامه می‌گوید:

«يَدُلُّ عَلَى صِحَّةِ إِمَامَةِ عَلِيٍّ وَوُجُوبِ طَاعَتِهِ وَأَنَّ الدَّاعِيَ إِلَى طَاعَتِهِ دَاعٍ إِلَى الْجَنَّةِ وَالدَّاعِيَ إِلَى مُقَاتَلَتِهِ دَاعٍ إِلَى النَّارِ - وَإِنْ كَانَ مُتَأَوَّلًا»

مجموع الفتاوی، المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفی: ۷۲۸ هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك، فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، عام النشر: ۱۴۱۶ هـ/ ۱۹۹۵ م، ج ۴، ص ۴۳۷، فضل: فی أعداء الخلفاء الراشدين والأئمة المهديين

در اینجا مراد امامت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تنها در زمان خودشان است، نه امامتی که ما قبول داریم.

در حقیقت این عبارت تیر خلاصی به همه چیز زد!! خداوند عالم طوری به گردن این پست فطرتها زده است که با دست خودشان چاله‌ای برای خودشان درست می‌کنند که در ته آن چاه می‌مانند. این افراد معتقد هستند که «معاویه»، «عایشه» و «طلحه» اجتهاد کرده اند. آیا این اجتهاد کردن که داع الی النار (به طرف آتش دعوت می‌کنند) فایده‌ای دارد؟!

بحث‌های دیگری در رابطه با سب صحابه وجود دارد که اساساً «من سب صحابیا ما هو حکمه»؟ ما در اینجا سؤالات متعددی داریم که یکی پس از دیگری باید پاسخ داده شود و ببینیم آیا کسانی که با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) جنگیدند، ایشان را سب و لعن کردند و بغض آن حضرت را داشتند اگر به عنوان خلیفه ایشان را لعن کنند چه حکمی دارد؟!؟

بر فرض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خلیفه مسلمین نباشد؛ سب کردن ایشان به عنوان یک مسلمان چه حکمی دارد؟! «من سب مسلماً ما هو حکمه»؟

پرسش:

چه مقدار از اهل سنت، مطالب «ابن تیمیه» را قبول دارند؟!؟

پاسخ:

نود درصد اهل سنت مطالب «ابن تیمیه» را قبول دارند. اگر در نماز جمعه خیلی از اهل سنت شرکت کنید، می‌بینید که در خطبه‌های نماز جمعه «ابن تیمیه» را با عنوان (رحمه الله) یاد می‌کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته